

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

فرخنده باد هشتم مارس، روز گرامی داشت و تجدید عهد با پیکار قهرمانانه زنان جهان برای رهایی از ستم جنسی و طبقاتی، برای دستیابی به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی!

شما زنان دلاور و پیکارجوی میهن مان تبریک می گوید و اطمینان دارد که نبرد شما برای فردایی آزاد و برابر بی شک به سرانجام پیروزمندش خواهد رسید.

ادامه در صفحه ۳

زنان مبارز ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن، روز گرامی داشت و تجدید عهد با پیکار قهرمانانه زنان جهان را برای رهایی از ستم جنسی و طبقاتی، برای دستیابی به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، را به



شماره ۶۲۹، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۴ اسفند ۱۳۸۰

«نامۀ مردم»، ارگان مرکزی
حزب توده ایران شصت ساله شد
در صفحه ۴ و ۵

کاهش یا ارتقاء نقش «مجمع تشخیص مصلحت»

زمزمه هایی که از چند هفته پیش در مورد نقش آتی «مجمع تشخیص مصلحت نظام» شروع گردیده بود، در هفته گذشته با مصاحبه هاشمی رفسنجانی در واقع امر وارد دور جدید خویش گردید. قبل از مصاحبه هاشمی رفسنجانی برخی حکومتیان و یا فعالان جناح حکومتی طرفدار اصلاح به انتقاد از نقش مجمع مذکور در تصویب قوانین زبان گشودند. حسین هاشمیان، عضو هیئت بازنگری بر قانون اساسی گفت: «در ارزیابی عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام این نکته قابل توجه است که این مجمع در مورد وضع قوانین، خلاف قانون اساسی عمل کرده است و نمی تواند این کار را انجام دهد.» (آفتاب یزد ۸ اسفند) وی همچنین اظهار داشت که، اطلاعاتی که او دارد مجمع تشخیص مصلحت نظام به قانونگذاری پرداخته است، در صورتی که قوانین وضع شده توسط مجمع تشخیص نمی تواند مورد تایید باشد. وی وظیفه مجمع تشخیص مصلحت را داوری بین شورای نگهبان و مجلس و مشورت دهی به رهبری عنوان کرد. بنا به گزارش همین روزنامه در همان شماره، منتجب نیا اعلام کرد که در هیچ یک از وظایف مصرح در قانون اساسی و فرمان های خمینی یا رهبری وظیفه قانونگذاری

بقیه در صفحه ۲

طوفانی که در راه است بنیان های متزلزل رژیم «ولایت فقیه»

حالی که اعتماد اجتماعی نسبت به همه و حکومت به شدت متزلزل شده است و نوعی رخوت به وجود آمده است... افزون بر این ارزیابی عبدی، احمد زید آبادی نیز در گفت و گویی با روزنامه «آزاد»، ۲۳ بهمن ۱۳۸۰، در ترسیم وضعیت بحرانی جامعه از جمله می گوید: «وقتی می گوئیم جنبش اصلاح طلبی به بن بست رسیده است، در حوزه قدرت سیاسی به بن بست رسیده است و این به این معنی نیست که مردم مطالبات خود را فراموش می کنند، اتفاقاً آنها مطالبات خود را نه تنها فراموش نمی کنند بلکه آن مطالبات با سرعت حیرت آوری رشد می کند و بزرگ می شود... وقتی نیروهای سیاسی دستشان بسته شود این فشارها به صورت مستقیم وارد می شود. به صورت اغتشاش ها و شورش ها، همان رفتارهایی که قبل از دوم خرداد در شهرهای مختلف نظیر مشهد و اسلام شهر و قزوین رخ داد، در این دوره این تراکم بیشتر شده و اگر بخواهد خود را بروز دهد کاملاً حالت انفجاری به خود می گیرد. در عین حال در داخل بعضی از نیروهای سیاسی یعنی آنهایی که به ویژه اصلاح طلب بودند و فکر می کردند دیگر کاری از دستشان بر نمی آید، لازم نیست

بن بست خطرناکی که از سوی ارتجاع به میهن ما تحمیل شده است، در پیوند با تحولات جهانی و فعل و انفعالات مهم منطقه و در مجاورت مرزهای کشور، در مجموع اوضاع بسیار بغرنج و حساسی را پدید آورده است. اخبار و گزارش های گوناگون منتشره در نشریات مجاز و جز این ها نشانگر تعمیق بحران گسترده رژیم «ولایت فقیه» است که جامعه را تا مرز انفجارهای بزرگ اجتماعی کشانده است. در میان تحلیل ها و ارزیابی هایی که در روزهای اخیر درباره ماهیت بحران رژیم ارائه شده است سخنرانی عباس عبدی، از چهره های سرشناس جبهه دوم خرداد، حاوی نکاتی است که قابل تأمل است. روزنامه آفتاب یزد، ۲۷ بهمن ۱۳۸۰، به نقل از عبدی می نویسد: «در حال حاضر متأسفانه اصلاحات و مخالفان اصلاحات زمین گیر شده اند... وضعیت موجود ما بسیار ناپدیدار است، این جامعه از این طریق امکان ندارد ادامه حیات بدهد. در این هم نباید شک کرد که دیر یا زود تغییر خواهد کرد. نمی توانم مدت آن را بیان کنم، تا انتخابات مجلس بعدی را هم نمی توان پیش بینی کرد زیرا این وضع به آن موقع نخواهد رسید زیرا وضع آنقدر شکننده است که تا آن موقع قابل تحمل نیست... بنیان های اجتماعی ما اکنون در حال گسیختگی کامل است و عاملی نیست که از آن جلوگیری کند. در

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

«خودگردانی» بیمارستان ها یا خصوصی سازی بیشتر

یکی از مباحثی که هنگام بررسی بودجه سال آینده کشور در مجلس و خارج از آن درگرفت، بحث مزبور به «خودگردانی» بیمارستان ها در سال آینده بود. موضوع از آنجا آغاز شد که حاجی بابایی نماینده همدان در مجلس، خواستار لغو طرح خودگردانی بیمارستان ها گردید. پیشنهاد حاجی بابایی با مخالفت دیگر نمایندگان مواجه شد و در نهایت مورد بررسی قرار نگرفت. نماینده همدان بعداً در مصاحبه ای با تلویزیون که متن آن در کیهان، ۹ اسفند به چاپ رسید، گفت: «در سال آینده با اختصاص ۵۵ میلیارد تومان هیچ مشکلی حل نخواهد شد و وزارت بهداشت ۴۰ میلیارد تومان فقط بدهکار است و علاوه بر اینکه ۸ میلیون نفر دفترچه بیمه ندارند دارندگان دفترچه بیمه نیز مشکلاتی ایجاد کرده اند سال آینده هزینه درمانی نیز گرانتر خواهد شد.» وی همچنین اعلام کرد که بحث خودگردانی بیمارستان ها از سال ۷۳ شروع شده است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان، در گفت و گویی با ایسنا، ۱۰ اسفند گفت: «طرح مزبور، بیمارستان های دولتی را برای ارائه خدمات درمانی به بیماران اورژانسی، بیماران بی بضاعت، که توانایی پرداخت فرانشیز را ندارند با مشکل روبرو کرد. تنها تعدادی از بیمارستان هایی که بنیه قوی در ارائه خدمات درمانی داشتند، با اجرای این طرح با سطح قبلی به فعالیت پرداختند و بقیه بیمارستان ها به مرحله ورشکستگی رسیدند.» وی در ادامه اظهار داشت: «بر اساس طرح خودگردانی قسمتی از اعتبارات بیمارستان ها نظیر حقوق جاری پرسنل توسط دولت پرداخت می شد و بیمارستان ها موظف شدند که هزینه های حقوق جاری، سرمایه گذاری، جبران استهلاک را از طریق درآمدهای مالی خودشان تامین کنند، بنابراین این تامین هزینه موجبات کاهش سطح کیفی خدمات و تحمیل فشار هزینه درمان بر دوش مردم را فراهم آورد.» همین خبرگزاری در همان تاریخ مصاحبه ای با رضا طلایی نیک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس انجام داده که وی در مورد مصوبه مجلس مذبوحانه به توجیهاتی متوسل می شود و با دادن وعده های پوچ و توخالی می گوید: «اشکال اساسی در روش خودگردانی بیمارستان ها در دوره های گذشته، عدم پوشش هم زمان بیمه ای برای کلیه افراد کشور از آغاز اجرای این روش بود.» (ایسنا، ۱۰ اسفند) وی در ادامه گفت که، مجلس تصویب کرد که کلیه افراد فاقد پوشش بیمه ای در کشور به طور رایگان تحت پوشش بیمه های درمانی قرار گیرند و بودجه مورد نیاز برای تامین از سوی دولت در ردیف های سال ۱۳۸۱ نیز مصوب گردید. بحث های اخیر در مجلس بر سر این موضوع از یک طرف تلاش مستقیم و غیر مستقیم مخالفان اصلاحات برای بهره گیری از این موضوع را به نفع خودشان نشان می دهد و از طرف دیگر ادامه سیاست های مخربی که نتایج فاجعه بارش فلاکت و بدبختی ده ها هزار نفر از هم میهنان زحمتکش را به همراه داشته، توسط اصلاح طلبان در مجلس را نشان می دهد.

بحث پوچ و توخالی بیمه همگانی هنگامی مطرح می شود که بنا به اعتراف مجلسیان هنگام بررسی این موضوع از عدم توانایی مالی دولت صحبت به میان آورده بودند. پس چگونه توده های زحمتکش باید امیدوار باشند که در پرتو بیمه همگانی در سال آینده نه فشار مالی به دولت وارد خواهد آمد و نه توده های زجر دیده متحمل هزینه های سرسام آور خدمات درمانی می گردند. چندی پیش حسین درگیری های جناحی هنگامی که از میلیاردها تومان حیف و میل اموال عمومی توسط بالاترین مقامات حکومتی پرده برداشته شد و اکنون که به نظر می رسد فتنه این افشگری ها پایین کشیده شده، زحمتکشان میهنان بر این آگاهی خویش که هزینه چنین غارتگری ها را باید آنان بپردازند، افزودند.

ادامه کاهش یا ارتقاء نقش «مجمع تشخیص

و تقنین قانون بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشته نشده است. موسوی بجنوردی هم در همین ارتباط طی سخنانی اظهار داشت: «طبق قانون اساسی، محل قانون گذاری مجلس است و کسی غیر از مجلس حق قانونگذاری ندارد. مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه اش مشخص است و باید بر حسب آنچه مصلحت لازم می داند با کارشناسی به تصویب برساند.» (نوروز، ۸ اسفند) در هیچ یک از اظهارات فوق بر رد وجود چنین ارگانی اشاره ای نشده است. تمامی این اظهارات قبل از مصاحبه مطبوعاتی رفسنجانی انجام گرفته بود و نشان دهنده دعوای جناحی در پشت پرده می بوده است. رفسنجانی که در چند هفته گذشته «ارتقای نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام» را تکذیب کرده بود در مصاحبه اخیر خویش که با حضور جمعی محدود از خبرنگاران داخلی صورت گرفت و عمدتاً به همین مسئله اختصاص داشت تکذیبیه اخیر خود را با این توضیح که «در اصول قانون اساسی وظایف مجمع تشخیص مشخص است که یکی از آنها وظیفه مشورتی است» با یک نعل وارونه، تفسیری ارائه داد که در جهت اهداف ضد مردمی خویش بود. وی گفت: «این موارد در قانون اساسی وجود دارد و کسانی که می گویند مجمع به یک جای مشورتی تبدیل شود، منظورشان تعبیر قانون است» لپ مطلب رفسنجانی آن است که بحث تبدیل این مجمع به یک مجلس مشورتی به معنی کاهش نقش فعلی این مجمع می باشد و مجمع فعلی وظیفه ای بالاتر در مقطع کنونی ایفا می کند که منطبق با قانون اساسی است. به عبارتی دیگر رفسنجانی با پریدن از روی سر تمامی مباحث اخیر نقش فعلی مجمع تحت اختیارش را آنگونه که در برگزیده منافع او و همفکرانش باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. بی مورد نیست که رفسنجانی در جواب انتقادهای اخیر در بحث قانون گذاری در مجمع تشخیص مصلحت نظام، می گوید: «کسانی که این حرفها را مطرح می کنند که نباید بی اطلاع باشند و باید قانون اساسی را خوانده باشند و شاید یک نوع خصومت و هدف سیاسی مطرح است. من بارها گفته ام که این آقایان اگر موردی وجود دارد که ما در این رابطه تخلف کرده ایم بگویند تا اصلاح کنیم، ولی من چنین چیزی را نمی بینم.» (ایسنا، ۸ اسفند)

نکته مهمی که اینجا باید گفته شود این است که حکومتیان طرفدار اصلاح با رایزنی های پشت پرده در صدد می بوده اند به نوعی داد و ستد با رفسنجانی بپردازند که در نهایت با شکست مواجه شده است. اظهارات هاشمیان منتجب نیا و موسوی بجنوردی قبل از مصاحبه رفسنجانی حاکی از آگاهی آنان در مورد این فعل و انفعالات بوده است. اظهارات سه نفر مذکور با آگاهی از روند چانه زنی ها ی پشت پرده همراه بوده است. به نظر می رسد دل بستن جناح حکومتی طرفدار اصلاح به ترکیب آتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با این اظهار نظر رفسنجانی که «مسئله تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت مشخصاً از وظایف مقام معظم رهبری است» نیز نقش برآب شده است. مسأله مزبور بار دیگر مماشات گری و بی عملی اصلاح طلبان حکومتی و بی اعتقادی آنان به نیروی اجتماعی را بیش از پیش برجسته ساخت. رژیم ولایت فقیه با آگاهی از این موضوع و ضعف سازمان دهی توده ای در صدد هر چه تنگ تر کردن حلقه محاصره حول جنبش مردمی می باشد.

نامه علی اشرف درویشان به روزنامه «حیات نو»

در ابهام مانده است، که دانشجویان به ناحق به زندان محکوم می شوند، که روزنامه نگار و نویسندگان آزادی خواه و شجاعش زندانی و بقیه نیز مرتب به اماکن مختلف احضار می شوند، استادان ممتاز و دانشجویان برنده مدال های المپیادش به خارج می گریزند، تقاضاهای صنفی و به حق معلمانش به شدت سرکوب می شود، هیچ افتخاری نیست. این گردهمایی صورت دیگری از جشن هنر شیراز رژیم گذشته است. در لیست مدعوین خارجی شخصیت مهمی دیده نمی شود و این می رساند که آنان نیز دعوت را نپذیرفته اند. به نظر من باید ابتدا گفتگوی تمدن ها بین مردم یک تمدن رواج یابد، آنگاه بین تمدن ها که با این ریخت و پاش ها و خاصه خرجی های غیر لازم، در کوس و کرنا دمیده می شود. من بر سر این سفره خون آلود نمی نشیمن.

علی اشرف درویشان ۷ اسفند ۸۰

سردبیر محترم روزنامه حیات نو با احترام، در شماره ۵۳۱، سه شنبه ۷ اسفند ۱۳۸۰ خبری با عنوان: «جزیره کیش میزبان نویسندگان از سراسر جهان» به چاپ رسیده که نام من نیز در فهرست مدعوین آمده است. خواهمشدم طبق قانون مطبوعات پاسخ مرا در همان صفحه و همان ستون درج فرمایید.

اینجانب علی اشرف درویشان نه تنها با این دعوت موافق نیستم، بلکه به شدت با آن مخالفم و آن گردهمایی را تحریم می کنم، زیرا نشستن بر سر سفره ای که اکثر مردم میهن ام برای به دست آوردن لقمه ای نان، صبح تا شب جان میکنند، خیانت است. گفتگوی تمدن ها در کشوری که سرنوشت پرونده کشتار نویسندگان آزاده و مبارزش (محمد مختاری و محمد جعفر پوینده)

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتم

امسال مصادف با نود و دومین سالگشت روزی است که به پیشنهاد «کلارا تستکین»، یکی از رهبران بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی آلمان، و از بنیان گذاران حزب کمونیست آلمان، به احترام خاطرهٔ کارگران زن آمریکایی، که در ۸ مارس ۱۸۷۵، در تظاهرات برای احقاق حقوق خود با گلوله های نظام سرمایه داری به خاک و خون افتاده بودند، روز جهانی زنان و روز اعلام همبستگی با پیکار زنان در سراسر جهان اعلام شد، و از آن روز تاکنون، روز هشتم مارس، هر ساله با شکوه بیشتری در سراسر جهان برگزار می شود. زنان میهن ما، همگام با زنان جهان اکنون دهه هاست که این روز فرخنده را بررغم همه مصایب، همه ستم هایی که بر آنان روا شده گرمی داشته اند و با پیکار پرشور و دلاورانه خود راه پر پیچ و خمی را در راه تحقق حقوق خود در جامعه یی اسیر واپس گرایی هایی قرون وسطایی پیموده اند.

از نخستین برگزاری روز جهانی زن، در ایران، یعنی هشتم مارس ۱۳۰۱، که توسط «انجمن پیک سعادت نسوان»، در بندر انزلی، برگزار شد، هفتاد و نه سال می گذرد و در این هشت دهه سالی نبوده است که زنان میهن ما در این روز در گروه های کوچک و بزرگ گرد هم نیایند و با این پیکار مقدس تجدید عهد نکنند. امسال نیز بررغم ادامه حاکمیت تاریک اندیش و زن ستیز رژیم «ولایت فقیه» بار دیگر صدها هزار زن ایران در سراسر میهن در بند این روز را گرمی خواهند داشت.

پنج سال پس از همه پرسی دوم خرداد ۱۳۷۶، که در آن زنان ایرانی نقش تعیین کننده یی ایفا کردند، می گذرد و نه تنها هیچ یک از خواست های زنان میهن ما در راه تغییر قوانین زن ستیز و شرایط اجتماعی تحقق نیافته است، بلکه فشارهای اجتماعی - اقتصادی کمر شکن، که نتیجه مستقیم سیاست های ضد مردمی رژیم حاکم است افزایش یافته است. بخش وسیعی از زنان کارگر و زحمتکش میهن ما که نان آور خانواده های خود هستند زیر فشارهای کمر شکن اقتصادی و در فقر و محرومیت سیاه دست و پا می زنند، در حالی که سران رژیم، وابستگان و نزدیکان آنان با چپاول و غارت و بهره جویی از دستگاه عمیقاً فاسد اداری حاکم بر میهن ما میلیارد تومان ثروت میهن را به غارت برده اند و انبوه توده های محروم را به «تحمل» و «ریاضت» فرا می خوانند. پنج سال پس از دوم خرداد ۷۶، همچنان همه قوانین زن ستیزانه که توسط مجلس مرتجع پنجم و دوره های قبل از آن به تصویب رسیده بود پا بر جا هستند و هیچ گام موثری در راه تغییر قوانین قرون وسطایی حاکم بر میهن ما بر داشته نشده است. لویایی همچون طرح جدا سازی خدمات درمانی، بی حقوقی مدنی و اجتماعی زنان در عرصه های گوناگون، از جمله قوانین ازدواج و طلاق، حق صیانت فرزندان و دیگر حقوق و همچنین عدم شرایط لازم برای حرکت زنان به سمت دست یابی به استقلال اقتصادی، در مجموع جهنم غیر قابل تحملی را برای بیش از نیمی از جمعیت میهن ما پدید آورده است.

در سال های اخیر بررغم همه فشارهای تاریک اندیشان حاکم، بررغم همه بی توجهی های «اصلاح طلبان حکومتی»، که در بخش های مهمی هم نظر با تاریک اندیشان حاکم اعتقادی به رهایی زنان از ستم جنسی ندارند، پیکار زنان میهن ما برای دست یابی به حقوق خود ابعاد گسترده و چشم گیری پیدا کرده است. بررغم دستگیری زنان مبارز، شکنجه و اعدام زنان همچنان استوار به نبرد خود ادامه داده اند.

ایجاد تشکل های مستقل زنان در عرصه های مختلف صنفی و اجتماعی، حضور چشم گیر زنان در مبارزات سیاسی روز جامعه، از جمله شرکت وسیع زنان در انتخابات های گوناگون، شرکت زنان مبارز کارگر در حرکت های مختلف اعتراضی کارگران و نبرد دلیرانه دختران دانشجو بر

ضد مرتجعان حاکم در دانشگاه های مختلف کشور، همه نشانگر اوج گیری مبارزه یی است که زنان میهن ما در اوضاع دشوار کنونی همچنان ادامه می دهند. در این مبارزه نقش زنان پیشرو، کارگران آگاه، روشنفکران انقلابی و دانشجویان مبارز اهمیت ویژه یی دارد و اگر بتوان این مبارزات اجتماعی و صنفی را سازماندهی و هدایت کرد، علاوه بر باز شدن راه تحقق حقوق پایمال شده زنان نیروی اجتماعی عظیمی در تمام جامعه برای دست یابی به تغییرات بنیادین به حرکت در آمده است.

زنان مبارز و قهرمان ایران!

شما با تجربیات دردناک خود دریافته اید که رژیم «ولایت فقیه» مهمترین سد راه تحقق خواست های شما در راه دست یابی به حقوق برابر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. شما دریافته اید که بررغم همه قول های داده شده، بررغم حضور وسیع و خستگی ناپذیر شما در صحنه های مختلف مبارزه برای حفظ و بسط روند اصلاحات، اصلاح طلبان حکومتی گام مشخص و موثری را در راه تحقق خواست های شما بر نداشته اند و حتی مشاوران رئیس جمهور در امور زنان نیز در بهترین حالت سخنگویان سیاست هایی هستند که ماهیتی عمیقاً زن ستیز و غیر دموکراتیک دارد.

شما می دانید که رژیم حاکم بر میهن ما به دلیل پایه های نظری و فکری قرون وسطایی اش، همچون رژیم منفور و ساقط شده طالبان در افغانستان، معتقد است که زنان نباید از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. این سد را باید با سازمان دهی، انسجام و مبارزه پیگیر از سر راه برداشت.

حزب تودهٔ ایران، نخستین حزب سیاسی میهن ما است که، شصت سال پیش، موضوع برابری حقوق زنان را در دستور کار و برنامه مبارزاتی خود قرار داد و توانست در این راه خدمات مهمی انجام دهد. دست یابی زنان به حق رأی، ایجاد تشکل های صنفی پیشرو و روشنگری اجتماعی - سیاسی، در فضای فوق العاده عقب ماندهٔ جامعه ما، از جمله دست آوردهایی است که حزب تودهٔ ایران و خصوصاً زنان توده ای به آن می بالند. امروز نیز همچون گذشته، حزب تودهٔ ایران خود را بخش جدایی ناپذیری از پیکار زنان میهن ما در راه آزادی و رهایی از ستم جنسی و طبقاتی می داند و اعتقاد عمیق دارد که تحقق آزادی و استقرار جامعه مدنی بدون تحقق حقوق زنان میهن ما ممکن نیست. جنبش مردمی، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان رزمنده و آگاه میهن ما، در طول تاریخ طولانی و پرافتخار پیکار در راه رهایی میهن، اثبات کرده اند که در صورت اتحاد عمل، سازمان یافتگی و انسجام این توان را دارند که بزرگ ترین سدها را از سر راه بردارند. بیاید دست در دست هم به سمت ایجاد یک جبهه واحد ضد استبداد و ضد ارتجاع حاکم پیش برویم و با پیکار مشترک سد راه تحولات میهن را از سر راه برداریم.

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز جهانی زنان**دورد آتشین بر زنان زندانی سیاسی و همه شهدای راه آزادی****زنان و آزادی میهن!****کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران**

۱۳ اسفند ماه ۱۳۸۰

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران



«نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران شصت ساله شد

از انتشار نخستین شماره «مردم» (نامه مردم) در بهمن ماه ۱۳۲۰ اینک شصت سال می گذرد. در طی این شصت سال که دوره های پرحادثه و توفانی تاریخ معاصر ما است، این روزنامه فراز و نشیب ها و دوره های مختلفی را پشت سر گذاشته است. در سال های اولیه انتشار «مردم» این روزنامه زبان حقیقت گوی مبارزان ضد فاشیست بود و بدر آگاهی و روشنگری در جامعه می پاشید. سپس «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران شد و وظایف بی نهایت دشوار سیاسی و سازمانی برعهده گرفت و اکنون پس از گذشت شش دهه، هم چنان این مسئولیت خطیر را به پیش می برد و ارگان مرکزی حزب توده ایران است.

در واقع تاریخ شصت ساله «نامه مردم» و هزاران شماره منتشر شده آن، آینه تمام نمای مبارزه در راه دفاع از منافع کارگران و زحمت کشان ایران و نبرد بی امان علیه استعمار و امپریالیسم و رزم پیگیر در راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی است. و از این رو به حق باید گفت که «نامه مردم» قدیمی ترین و پرسابقه ترین نشریه آزادی خواه و عدالت طلب جامعه ما محسوب می شود.

برجسته ترین نویسندگان، شاعران، هنرمندان و روشنفکران ترقی خواه کشور طی سالیان دراز ضمن همکاری با «مردم» در آن قلم زدند، و «مردم» خود در پرورش و بالندگی نسل هایی از هنرمندان، شاعران و نویسندگان انسان دوست و آزادی خواه نقش مهمی داشت. این نشریه محلی برای ابراز عقاید و آرایه آثار هنری این دسته از روشنفکران جامعه بود. با نگاهی گذارا به شماره های کثیر «نامه مردم» در دوره های مختلف به ده ها نام برمی خوریم که هر یک بعدها از چهره های شاخص و بارز فرهنگی، هنری و علمی جامعه شدند که الزاماً توده ای نبودند. از آن میان تنها برای اشاره هم که شده می توان از این اسامی نام برد: سعید نفیسی، منوچهر شیبانی، مجید رهنما، پرویز ناتل خانلری، صادق هدایت، احسان طبری، رضا رادمنش، احمد قاسمی، غلام حسین فروتن، امیل میناسیان، دانشور، جلال آل احمد، داود نوروزی، نادر نادریور، سیاوش کسرای، سایه، فریدون توللی، احمد انصاری، نوشین، محمد علی افراشته، نیما یوشیج و ده ها شخصیت دیگر...

در طول این شصت سال، دوره های آزاد و علنی انتشار «نامه مردم» کوتاه بود و این روزنامه چیزی بیش از ۵۲ سال از این تاریخ را در شرایط مخفی، غیر علنی و مهاجرت به سربرد و منتشر گشت. و تنها به مدت چند سال آن هم در دوره های گسسته این امکان را داشت تا به شکل آزادانه و علنی انتشار یافته و با خوانندگان خود ارتباط مستقیم برقرار کند. نیروهای ضد دموکراتیک و وابسته به ارتجاع از آن رو که «نامه مردم» را زبان گویای مردم می دیدند و آن را مانعی مهم در راه پیش برد اهداف ضد ملی خود می شناختند، از انتشار علنی آن جلوگیری می کردند. و بارها آن را به محاق توقیف درآوردند. خبرنگاران، توزیع کنندگان و فروشنده های آن را کتک زدند، دستگیر کردند و به زندان انداختند. دوره هایی وجود داشت که حتا داشتن یک نسخه از «نامه مردم» با خطر زندان شکنجه و اعدام روبرو بود. ولی علیرغم این کوشش ها و توطئه های گوناگون «نامه مردم» نه از مردم پنهان ماند و نه از راه آن ها جدا شد. و این برای یاران و خوانندگان «نامه مردم» دستاوردی است غرورآفرین.

پرداختن به تاریخ شصت سال انتشار نامه مردم و دوره های مختلف آن، بررسی جداگانه ای می طلبد. با این حال، برای گرمی داشت این سالگشت به هر یک از دوره های پرفراز و نشیب آن اشاره ای هرچند کوتاه و فشرده می کنیم. انتشار نامه مردم در طی شصت سال گذشته را می توان به هشت دوره مختلف تقسیم کرد:

دوره اول:

در تاریخ ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۲۰ و در آستانه دومین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، یاران و شاگردان او که در صفوف حزب توده ایران متشکل شده بودند، دست به انتشار روزنامه ای زدند که نام و نشان از مردم داشت. این زمان مصادف با جنگ جهانی دوم بود و از گسترش فاشیسم هیتلری در جبهه های گوناگون جنگ و جنایات آن خبر می داد. در نتیجه از همان آغاز، آماج اصلی روزنامه مردم مبارزه علیه فاشیسم و افشای چهره جنگ طلبانه و جنایت کارانه آن بود. هم چنین افشای هواداران فاشیسم در صحنه داخلی نیز از اهم وظایف این روزنامه تازه تاسیس شده محسوب می شد. قشرهای مختلف مردم برای اولین بار بود که مطالبی راجع به افشای چهره کربه فاشیسم و ضرورت مبارزه با آن می خواندند. در این زمینه کاریکاتورها و طرح هایی از هیتلر و دیگر زمامدارانش به شکل مرتب به چاپ می رسید که خیلی معروف بودند و دست به دست می گشتند. اغلب سرمقالات «مردم» ضد فاشیستی بود و ستون ثابتی تحت عنوان «فاشیست ها چه می گویند؟» داشت که ضمن آوردن نقل قول هایی از زمام داران این جریان مانند: هیتلر، گوبلز، گورینگ و... به افشای ماهیت و اهداف آن ها می پرداخت. مردم هم چنین در زمینه افشای هواداران داخلی آلمان هیتلری در درون دربار و رجال ایرانی از هیچ کوششی کوتاهی نمی کرد و در ستون ثابتی زیر عنوان «ماسک ها را بردارید» به نقش و توطئه های اعمال آن ها می پرداخت. درست به همین دلیل بود که در آن زمان توده های مردم آن را «مردم ضد فاشیست» می خواندند و با همین عنوان نیز در کوچه و بازار به فروش می رفت، در حالی که عنوان روزنامه همان «مردم» بود. دایره نویسندگان «مردم» فراتر از رهبران و اعضاء حزب بود و اغلب شخصیت های آزادی خواه و مترقی در آن قلم می زدند. برای نمونه می توان از صادق هدایت نام برد که با نام مستعار مطالبی در مردم به چاپ می رساند و برای اولین بار داستان «قضیه زیر بته» را که دارای محتوای ضد فاشیستی بود در مردم منتشر کرد و بسیار معروف بود. در این داستان چنین آمده بود: «خدمتتان عرض کنم: هر الاغ و خرچسونه همین ادعا را دارد و خودش را فاضل موجودات تصور میکند، جانم برایتان بگویم، از شما چه پنهان، اصلاً ما آدمیزاد نیستیم، تمدن و آزادی و عدل و داد و اخلاق شما هم که بقول خودتان از نژاد برگزیده هستید بدر ما نمیخورد و حمالی شما را هم بگردن نمیگیریم. این دون بازیها و بیشرف بازیها را کنار بگذارید و گرنه اگر فضولی زیادی بکنید، تمام افراد قبیله ما با تیر و تبر پشت بته ها ایستاده اند و پدتران را در میاوریم...»

ولی از آن جا که روزنامه مردم با مخالفت های درباریان و مستبدین فاشیست ماب روبرو بود، همواره زیر فشار و حمله آن ها قرار داشت و در ادامه این تضییقات بالاخره در آذرماه ۱۳۲۱ طی حکمی توسط فرمانداری نظامی توقیف شد. تا این تاریخ ۲۲۷ شماره روزنامه مردم از چاپ خارج شده بود.

دوره دوم:

پس از مدتی که از به تعطیل کشاندن «مردم ضد فاشیست» گذشت، حزب برای دور زدن حکم توقیف، با تغییر نام «مردم» به «نامه مردم» در روز ۲۹ فروردین ۱۳۲۲ اولین شماره نامه مردم دوره جدید را انتشار داد. سبک و سیاق نامه مردم هم چون گذشته بود، و مثل سابق با مشی ترقی خواهانه و افشاگر خود در بین مردم بدر آگاهی می پاشید. از آن جا که در جنگ رفته رفته ورق برگشته بود و در جبهه های مختلف متفقین و به خصوص ارتش سرخ شوروی پیش روی ها و موفقیت های روزافزونی در سرکوب فاشیسم داشتند، دیگر پیروزی فاشیسم چنان که تبلیغ می شد قطعی نبود. این امر به اعتبار حزب و نامه مردم که پیگیرانه در این راه مبارزه می کردند، افزود، و باعث افزایش تیراژ نامه مردم گشت. نامه مردم در دوره دوم از فروردین ۱۳۲۲ تا ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵ انتشار یافت و نقش بارزی در گسترش آگاهی اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان و روشنفکران بازی کرد. نامه مردم در این زمان یکی از پرخواننده ترین روزنامه های کشور بود.

ذکر این نکته لازم است که از سال ۱۳۲۵ به بعد حزب به طور همزمان در کنار روزنامه «نامه مردم» به مثابه ارگان رسمی، مجلات و هفته نامه و ماهنامه هایی نیز با همین نام «مردم» منتشر با افزودن کلمه یا واژه ای به آن منتشر می کرد که هر یک از آن ها دارای وظایف معینی بودند. از آن میان برای تجدید خاطره و یادآوری به برخی از این مطبوعات به شکل فشرده اشاره می شود: * «مردم» برای روشنفکران» به سردبیری احسان طبری که نشریه ای سیاسی - تئوریک بود و خوانندگان خود را با تحلیل های علمی و مارکسیستی آشنا می کرد.

* «مردم آدینه»: که هفته نامه بود و در روزهای جمعه با مطالب متنوع و سرگرم کننده منتشر می شد.

این هفته نامه از آن جا که به زبانی ساده به چاپ می رسید، خوانندگان فراوانی داشت.

تصمیم گرفت که به تعداد صفحات ارگان افزوده و ضمن کاهش تناوب زمانی آن به نقش و کارایی آن بیافزاید. در چنین شرایطی بود که دوره ششم فعالیت مردم آغاز به کار کرد.

دوره ششم:

در این دوره ارگان مرکزی حزب در ۸ صفحه ماهی یک بار منتشر می شد، ولی از سال ۱۳۵۳ در پی تشدید مبارزه علیه رژیم شاه انتشار آن به هر دو هفته یک بار تبدیل گشت. وجه مشخص این دوره از انتشار روزنامه تقویت انسجام صفوف حزب بود. در این زمان «مردم» نقش مهمی در سازماندهی و تقویت پایگاه حزب و گسترش مبارزه آن داشت. انتشار این دوره از فعالیت «مردم» تا پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم سلطنتی، که «مردم» خود سال های مدیدی در تدارک و فراهم آوردن زمینه های آن رزمیده بود، ادامه داشت.

دوره هفتم:

پس از پیروزی انقلاب، مردم انتشار خود را در میهن از سرگرفت و پس گذشت سال ها انتشار غیرعلنی و سال های طولانی مهاجرت، فرصتی پیدا کرد تا در شرایط نسبتاً آزاد نفس تازه کند و علناً چاپ و توزیع شود. اولین شماره های مردم به همت زندانیان آزاد شده توده ای که سالیان درازی در زندان های ستم شاهی بسر برده و اینک در سایه انقلاب خلق رهایی یافته بودند، شروع به انتشار کرد. مسئولیت انتشار نخستین شماره های این دوره را رفیق علی خاوری از زندانیان سیاسی معروف و سرشناس که تازه از زندان شاه رهایی یافته بود بر عهده داشت. ۵۳۰ شماره که از دوره هفتم بعد از انقلاب در مدت نزدیک به دو سال منتشر شد، آینه تمام نمای فعالیت و پیکار حزب توده ایران برای دست یابی به حقوق کارگران، دهقانان و سایر زحمت کشان کشور بود. طی این مدت علاوه بر انعکاس سیاست ها و مشی حزب توده ایران در ارگان مرکزی، «مردم» به بازتاب اخبار و گزارشات از کار و زندگی مردم سراسر میهن مبادرت می ورزید. «مردم» بلندگوی سیاست اصولی حزب مبنی بر شعار تشکیل جبهه متحد برای نجات انقلاب و جلوگیری از به بیراهه رفتن آن بود.

ولی از آن جا که مردم خاری در چشم دشمنان انقلاب بود، و همواره زبان گویای زحمت کشان و محرومان و از دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر سرمایه داران و مالکین بزرگ و ارتجاع بود، طی مدت قریب دو سال، سه بار با یورش و توقیف روبرو شد، تا بالاخره بعد از انتشار ۵۳۰ شماره با حمله چماق داران و کتاب سوزان، به دفاتر حزب از انتشار آن جلوگیری به عمل آوردند. دیری نگذشت که همزمان با یورش و بستن روزنامه ها و نشریات مختلف، مردم نیز به توقیف درآمد و سردبیر آن رفیق منوچهر بهزادی دستگیر گشت و بعدها در جریان فاجعه ملی همراه با صدها تن از زندانیان سیاسی دیگر به شهادت رسید.

دوره هشتم:

در سال های ۶۰ و ۶۱ بعد از سرکوب خونین سازمان ها و احزاب سیاسی و به خصوص پیگرد و دستگیری خشن رهبران و کادرها و اعضاء حزب به قصد نابودی کامل آن توسط مرتجعین، تعداد معدودی از رهبران حزب که جان سالم از این سرکوب خونین به در برده بودند همراه با کادرها و دیگر اعضاء حزب طی ماه های دشوار و وظیفه بازسازی و احیاء تشکیلات را بر عهده گرفتند، و بدین شکل بعد از گذشت زمان کوتاه فصل دیگری از فعالیت ارگان مرکزی حزب شروع شد و «نامه مردم» به عنوان پرچم حزب توده ای ما به اهتزاز درآمد. و این آغاز دور جدید انتشار «نامه مردم» بود که اولین شماره آن ۱۷ خرداد ۱۳۶۳ از چاپ خارج شد. در سرمقاله همین شماره تحت عنوان «سخنی با خوانندگان» آمده است: «نامه مردم» دوره هشتم خود را در شرایطی آغاز می کند، که آزادی بیان و قلم، اجتماعات و احزاب، سندیکاها و اتحادیه های صنفی و غیره لگدمال شده، زندان و شکنجه و اعدام و قتل میهن دوستان و مدافعان توده های محروم، که طی سالیان دراز ستم شاهی بارسنگین مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و امپریالیسم را بدوش می کشیدند، به سطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است.»

«نامه مردم» در دوره در حال انتشار وظایف بس دشوار و خطیری بر عهده داشته است. زیرا در این ۱۷ سالی که از انتشار دوره هشتم «نامه مردم» می گذرد، از سال های طوفانی و پرفراز و نشیب حیات حزب را در بر می گیرد. در دوره مورد بحث چه از نظر زخم ها و زیان هایی که حزب ما از راه سرکوب خونین متحمل شد و شمار زیادی از رهبران، کادرها و اعضاء آن به شهادت رسیدند، و چه از نظر به ثمر نرسیدن امیدهایی که به انقلاب بزرگ مردم میهن ما گر خورده بود و بالاخره شکست و فروپاشی کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا و به

«نامه ماهانه مردم»: مجله ای بود که همراه یک بار با مطالب وزین علمی، سیاسی، فرهنگی و ادبی انتشار می یافت. این ماهنامه در واقع از نظر محتوی و سبک کار به مجله دنیا به مدیریت دکتر تقی ارانی شباهت داشت. و اولین نشریه تئوریک - سیاسی حزب محسوب می شد. مجله «نامه ماهانه مردم» که طی ۲۹ شماره زیر نظارت و سردبیری احسان طبری که اغلب سرمقالات آن را نیز می نوشت از اعتبار زیادی در بین روشنفکران عصر برخوردار بود و تا بهمن ماه ۱۳۲۷ و یورش به حزب، منظم از چاپ خارج می شد.

«مردم برای جوانان»: که به موضوعات و خواسته های جوانان و دانش جویان می پرداخت و در واقع ارگان سازمان جوانان توده بود و از سال ۱۳۲۳ به بعد انتشار می یافت. علاوه بر این ها باید از ارگان های دوره ای و محلی دیگر حزب نام برد که آن ها نیز نشان از مردم داشتند و طی شصت سال گذشته منتشر شدند. عناوین برخی از این مجلات و روزنامه ها چنین است: «صدای مردم»، «پیک مردم»، «ندای مردم»، «راه مردم» و نام های دیگر...

دوره سوم:

از همان ابتدای تاسیس و فعالیت حزب توده ایران، تلاش گسترده ای در زمینه فعالیت مطبوعاتی صورت می گرفت و حزب نشریات، روزنامه ها و مجلات گوناگونی در اندازه های مختلف به شکل روزانه، هفتگی، پانزده روز یک بار و ماهیانه نشر می داد. ولی از زمان تاسیس تا ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵ ارگان رسمی و مرکزی حزب را «نامه رهبر» تشکیل می داد. در این ارگان بود که اکثر تصمیمات و اسناد و اطلاعیه های هیئت اجراییه موقت به اطلاع عموم می رسید. منتها در ۱۶ آذر ۱۳۲۵ نیروهای ارتجاع در جریان فراهم کردن مقدمات حمله و سرکوب خلق آذربایجان، «نامه رهبر» ارگان اصلی رهبری حزب را توقیف کردند. در نتیجه رهبری وقت حزب برای ادامه کاری ارگان مرکزی و پرکردن خلاء به وجود آمده تصمیم گرفت نشریه دیگری را به جای نامه رهبر منتشر کند، و این گونه بود که قرعه به نام «نامه مردم» خورد. و در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵ اولین شماره از دوره سوم «نامه مردم» با برخی تغییرات در شکل و قطع آن به چاپ رسید. با این تفاوت که این بار زیر عنوان «نامه مردم» قید شده بود: «ارگان هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران». بنابراین از دوره سوم «نامه مردم» به ارگان مرکزی حزب تبدیل شد. انتشار دوره اخیر «نامه مردم» با وقفه های کوتاهی که ناشی از توقیف، کارشکنی و فشار بر روزنامه های مترقی بود، تا تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ ادامه داشت. در این روز در پی سوقصد به شاه، رژیم بهانه ای یافت و سیاست سرکوب گرانه ای در قبال احزاب و مطبوعات اتخاذ نمود. حزب توده ایران غیرقانونی اعلام شد و با حمله به چاپ خانه ها و ضمن به آتش کشیدن دفاتر روزنامه ها، کلیه روزنامه های میهن دوست و آزادی خواه از جمله «نامه مردم» را تعطیل کردند. دوره سوم نامه مردم طی ۵ سالی که به عنوان ارگان مرکزی حزب منتشر می شد، پنج بار توقیف گشت ولی با وجود این مجموعاً ۴۸۹ شماره از آن انتشار یافت.

دوره چهارم:

رژیم شاه با سرکوب خشن آزادی های به دست آمده نتوانست برای مدت طولانی مانع ادامه کاری «نامه مردم» شود. و حزب با سازماندهی مجدد خود این بار در شرایط مخفی دست به انتشار «نامه مردم» زد. پس از اعلام غیرقانونی شدن حزب و دستگیری بخشی از رهبران و اعضاء و پیگرد دیگر توده ای ها، فعالیت حزب وارد مرحله جدیدی شد و با تجدید قوا به فعالیت زیرزمینی روی آورد. تشکیلات خود را سازمان دوباره داد و انتشار منظم و هفتگی «نامه مردم» را به عنوان پرچم توده ای ها از سرگرفت. این چنین بود که چهارمین دوره نامه مردم آغاز به کار کرد. اولین شماره دوره جدید در ۱۰ مهرماه ۱۳۲۸ به استقبال هشتمین سالگرد حزب توده ایران با تیرازی بیش از ۱۵ هزار نسخه منتشر گشت. انتشار این دوره بیش از ۶ سال، یعنی حتماً تا دو سال بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت.

دوره پنجم:

در سال ۱۳۳۹ رهبری حزب بنا بر تصمیم کنفرانس وحدت، تلاش نمود که بعد از گذشت چهار سال از خاموشی «مردم»، انتشار دوباره آن را با عنوان ارگان مرکزی حزب توده ایران از سرگیرد. هرچند که تا این تاریخ این وظیفه را نشریه «صبح امید» به انجام می رساند. مردم در دوره ذکر شده یک صد شماره منتشر شد و در کنار مجله دنیا و رادیو پیک ایران زبان گویای حزب توده ایران بود. با گسترش فعالیت حزب و پس از طی کردن دوران شکست و پراکندگی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد، مبارزه حزب وارد مرحله جدیدی شد. به همین خاطر حزب

ادامهٔ توفانی که در راه است ...

سکوت کنند، خود به خود به سکوت واداشته می شوند. این سرنوشت محتوم آنهاست ... اوضاع خطرناک را می توان حس کرد. بحران اخلاقی، هویتی، بیکاری، فساد و فقر و بحث قومیت ها که به صورت حساس مطرح می شود خیلی نگران کننده است و در کنار آن هزاران بحران دیگر که به طور تصاعدی رشد می کند...»

از این مجموعه به چه نتایجی می توان رسید. نخست آنکه مسئله بن بست اصلاحات، که ماه ها پیش توسط حزب ما طرح شد، امروز به عنوان اصلی پذیرفته شده از سوی نیروهای اصلاح طلب عنوان می شود. خوانندگان «نامه مردم» به یاد دارند که رفیق خاوری، در سخنرانی به مناسبت سالگرد تأسیس حزب از جمله به این نکته اشاره کرد که: «یورش پیگیر ارتجاع و استبداد به مواضع اصلاح طلبان عملاً کشور را به سوی بحرانی فرا گیر و عمیق سوق می دهد. مردم نومید از اصلاح طلبان و منزجر از جناح ذوب در ولایت به سوی دوران پس از اصلاحات عقیم مانده در حرکتند...» (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۶۲۴، ۲۷ آذرماه ۱۳۸۰).

واقیعت این است که در برابر رخوت و بی عملی جناح اصلاح طلب، تاریک اندیشان حاکم حملات وسیع و منظمی را بر ضد جنبش و اصلاح طلبان سازماندهی کرده اند. برپایی دادگاه های نمایشی و پرونده سازی های خطرناک برای نیروهای ملی - مذهبی، ادامه یورش به مطبوعات، بازداشت و احضار شماری از نمایندگان مجلس، جنجال و تهاجم تبلیغاتی در بارهٔ مبارزه با فساد مالی و تلاش برای سوء استفاده از جو خطرناک بین المللی و تهدیدهای خارجی به منظور تشدید خفقان و فشار در داخل کشور و تهدید نیروهای دگراندیش به تسلیم شدن در برابر «منافع ملی» که ارتجاع گویا مدافع آن است، بخشی از مجموعه حملاتی است که ما در ماه های اخیر شاهد آن بوده ایم.

نتیجه دیگری که از این سخنان و ارزیابی های جناح اصلاح طلب می توان گرفت این است که نیروها همچنان هراسناک از شرکت مستقیم و فعال توده ها در مبارزه سرنوشت سازی که در درون جامعه ما در جریان است، امیدوارند با نصیحت های «پدرانه» و ترساندن جناح مقابل بتوانند با ادامه سیاست «زدوبند» و مماشات در بالا مجموعه رژیم را از سرنوشت محتومی نجات بخشد. بر خلاف این ارزیابی نیروهای مترقی و آزادی خواه نه تنها هراسی از طوفان حرکت توده ها ندارند بلکه اعتقاد عمیق دارند که باید نیروهای اجتماعی جان به لب رسیده را سازمان دهی کرد و با تشدید مبارزه و فشار بر مرتجعان حاکم راه حرکت به سوی آینده را گشود.

همان طور که عبدی و زید آبادی نیز در سخنان خود اشاره می کنند، پایگاه اجتماعی رژیم حاکم بشدت محدود شده است و حاکمیت نه بر پایه پایگاه اجتماعی خود که تنها با اتکاء به نیروی قهر و سرکوب دوام آورده است. امروز به دلیل مجموعه یی از سیاست های ضد ملی و ضد مردمی، از جمله سیاست های اتخاذ شده در زمینه های اقتصادی - اجتماعی که چیزی جز سیاست های ورشکسته و دیکنه شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیست، بخش های فزاینده یی از مردم میهن ما به صورت مستقیم و دهشتناکی به قربانیان سیاست های رژیم تبدیل می شوند و هر روز بر تعداد کسانی که خواهان تغییر حاکمیت سیاسی کشور ما هستند افزوده می شود. امروز برای اکثریت قاطع نیروهای مردمی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان میهن ما روشن است که رژیم ولایت فقیه معضل، و مشکل اساسی و سد راه هرگونه تحول مثبت و مردمی در میهن ماست. بر اساس چنین ارزیابی است که مردم پیرامون نیروها و شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور نیز قضاوت می کنند. صف ها در درون جامعه نه بر اساس تصور ارتجاع به نیروهای «خودی» و غیر «خودی» بلکه به «موافقان» و «مخالفان» رژیم ولایت فقیه و شیوه کشور داری کنونی تبدیل می شود. نیروهای اجتماعی و سیاسی نیز بر این اساس باید بین صف مردم و صف حفظ «نظامی» پوسیده و ضد دموکراتیک انتخاب کنند. امروز کمتر نیروی سیاسی و یا شخصیت اجتماعی را می توان یافت که به بن بست اصلاحات در میهن ما معترف نباشد. ما با این ارزیابی نیز موافقیم که بن بست روندی که در دوم خرداد ۷۶ آغاز شد، نشانگر بن بست جنبش مردمی و یا تغییر خواست های انبوه توده های میلیونی مردم برای تغییرات بنیادین، دموکراتیک و پایدار نیست. جنبش مردمی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و آنچه امروز نیاز آن بیش از پیش احساس می شود، جبهه واحد همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و نیروهای اجتماعی مدافع آزادی و عدالت اجتماعی بر ضد رژیم استبدادی حاکم است. وقت آن رسیده است که در راه تحقق این نیاز روز جنبش تلاش ها را دو چندان کرد. پایه های لرزان رژیم ولایت فقیه بیش از پیش تضعیف شده است و طوفان اعتراض توده ها در پیش است.

ادامه پیام کمیته مرکزی به شورای مرکزی سازمان

اثر خواهد گذاشت. نظریه پردازان ارتجاع و عقب مانده ترین جناح های رژیم «ولایت فقیه» سعی دارند که با مانورهای عوام فریبانه و سوء استفاده از تهدیدهای خارجی از موقعیت کنونی برای تشدید کارزار جنایتکارانه و همه جانبه خود بر ضد مردم زحمتکش و برای به عقب راندن جنبش توده ها بهره گیرند.

توده های وسیع مردم، جوانان و دانشجویان و زنان با درک وضعیت بغرنج کنونی همچنان به مبارزه خود در راه بسط روند اصلاحات و خاتمه دادن به توطئه های سرکوبگرانه رژیم از جمله ترور فکری و فیزیکی صاحبان اندیشه و قلم، ادامه می دهند. در این اوضاع حساس نیروهای مترقی چپ وظایف مهمی در قبال این جنبش تاریخی به دوش دارند. تلاش در راه سازمان دهی جنبش مستقل توده ها، ارتقاء کیفی جنبش های صنفی کارگران و زحمتکشان و گسترش همکاری با همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه که خواهان پایان دادن به استبداد حاکم هستند از جمله وظایف مهمی اند که سازمان شما و حزب ما می توانند در راه تحقق آنها با همکاری و همبستگی هرچه بیشتر تلاش کنند. ما همگام با همه نیروهای معتقد به منافع ملی میهن اعتقاد داریم که باید با اتخاذ یک سیاست متحد و هماهنگ در مقابل هرگونه دخالت و فتنه انگیزی خارجی و سیاست های ماجراجویانه ارتجاع حاکم، که می تواند لطمات جدی به منافع کشور ما وارد کند، سدی مستحکم ایجاد کنیم.

رفقای گرامی!

ما ضمن شادباش مجدد سی و یکمین سالگرد تولد سازمان برادر، امیدواریم که همه نیروهای دموکراتیک و عدالت جو بتوانند با کار متحد و هماهنگ خود در مسیر بسیج توده ها برای شرکت فعال و آگاهانه آنان در راه تغییرات بنیادین در جامعه عرصه عمل نیروهای واپسگرا را و تاریک اندیش را هرچه محدود تر کنند. ما معتقدیم که تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، متشکل از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه، گام ضروری در راه تداوم جنبش خلق و پیروزی مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه و دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی است.

حزب توده ایران برای مبارزات عدالت جویانه و دموکراتیک سازمان شما آرزوی موفقیت دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران.

بهمن ماه ۱۳۸۰

ادامه «نامه مردم» ارگان مرکزی حزب ...

خصوص نابودی اتحاد شوروی و پیامدهای آن سال هایی بی نهایت دشوار برای توده ای ها بود که همچنان بر اعتقادات اصولی خود پافشاری کرده و برای تحقق آن ها به مبارزه انقلابی خود ادامه می دهند. باید به این لیست توطئه های گوناگون ارتجاع در پیکار بردن همه امکانات خود برای تحریف تاریخ حزب توده ایران، آن هم پس از ناکامی در قصد خود مبنی بر نابودی کامل حزب از راه سرکوب، پیگرد، زندان، شکنجه و اعدام و هم چنین پشت کردن یاران نیمه راه به حزب و «حزب سازی» و ... افزود. به این خاطر است که بدون اغراق باید گفت دوره اخیر از بحرانی ترین سال های حیات حزب توده ای ما بوده است و نامه مردم به مثابه ارگان مرکزی حزب در جریان این مبارزه برای غلبه بر شکست ها و فائق آمدن بر دشواری ها در بسیج و تحکیم صفوف توده ای ها و ادامه مبارزه آن ها در راه دست یابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نقش مهمی بازی کرده و می کند.

ادامه جهانی شدن به مثابه شیوه

برنامه ها تاکید شود، منابع حیاتی نیستند. او کشورها را فرا خواند که بودجه های تسلیحاتی خود را به نفع اختصاص منابع بیشتر به بهداشت و آموزش، کاهش دهند.

«یورو»، واحد پول جدید اتحادیه اروپا، توانایی تغییر نظام مالی بین المللی را دارد!

به گفته رابرت ماندل، برنده جایزه نوبل برای اقتصاد در سال ۱۹۹۹، یورو ممکن است که جای دلار را به عنوان مهمترین واحد پولی جهان اشغال کند و یا ارزشی معادل آن پیدا کند. پروفیسور ماندل، که اصلاً متولد کانادا است، در مقام مشاور سازمان ملل، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و کمیسیون اروپا عمل کرده است.

در سخنرانی خود تحت عنوان « واحد های پولی جاری در آمریکا و در سیستم های پولی بین المللی»، ماندل اهمیت و نقش یورو، واحد پول اتحادیه اروپا، را برای نظام مالی جهان به دلیل توانایی تغییر توازن قدرت جهانی، که از جنگ دوم جهانی اتفاق نیفتاده است، مورد تاکید قرار داد. به گفته پروفیسور ماندل، اهمیت پیدایش یک واحد پول اروپایی یگانه از تغییرات انجام گرفته در دهه ۱۹۷۰ زمانی که طلا اهمیت خود را به عنوان معیار سنجش ارزش پول از دست داد، بیشتر است.

او توضیح داد که مقدار واحد پولی در تناسب با تولید ناخالص ملی قرار دارد و گرچه در حال حاضر نابرابری یورو- دلار به سود دومی است، اگر از زاویه ای دیگر به این مسأله نگاه کنیم این وضع می تواند تغییر یابد. زمانی ممکن است ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیون نفر در اروپا از یورو استفاده کنند که این امر می تواند منجر به این شود که ارزش تولید ناخالص ملی واحد پول جدید از دلار فراتر رود.

ماندل توضیح داد که توسعه یک وزنه تعادلی برای دلار می تواند نه تنها با انباشت وسیعتر یورو بلکه با ایجاد و قدرت گیری یک واحد پولی آسیایی به سامان برسد. آلدو فررو، وزیر اقتصاد پیشین آرژانتین سخنان خود را با بیان اینکه طرح های اخیر نو لیبرالیسم به خاطر تضاد شان با اصول توسعه پایدار، تمامیت گرا (بنیاد گرا) هستند، به پایان رساند.

به نقل از گرانا بین المللی، نشریه حزب کمونیست کوبا

تلاش های آمریکابرای سرنگونی «چاوز»

طی چند هفته اخیر، حرکت ها و تلاش های فراوانی در ونزوئلا برای سرنگونی دولت و وادار کردن «هوگو چاوز»، رییس جمهور این کشور صورت گرفته است، که در آن نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی به طور مشترک عمل کرده اند. این نیروها، از سرمایه داران بزرگ گرفته تا مقامات بلند پایه کلیساها، از سندیکا های تطمیع شده از سوی سرمایه داران تا حزب حاکم سابق که در هفت دوره انتخابات دموکراتیک گذشته از سوی مردم نفی شده است و در حال حاضر در خارج از کشور است، و رسانه های گروهی که تصویری دروغین و غیرواقعی را از واقعیت انقلاب ارایه می دهند، دست در دست هم در تلاش هستند تا رییس جمهور منتخب کشور را منزوی و سرنگون کنند. ایالات متحده که خود منافع عظیمی را همواره در این کشور داشته است، از سوی «چاوز» به طور رسمی مورد اعتراض قرار گرفت. وی در این مورد گفت: «ما در مواضع خود ثابت قدم هستیم، این تنها در رابطه با ایالات متحده، بلکه در رابطه با تمامی کشورهای جهان است. ما به استقلال و حق حاکمیت همه ملل احترام قابل هستیم و به نوبه خود نیز خواستار احترام متقابل هستیم.»

پس از این اعتراض، «کولین پاول»، وزیر خارجه آمریکا، ضمن اعتراض به شیوه دموکراسی در ونزوئلا، گفت که روابط واشنگتن پس از انتقاد «ناراحت کننده» چاوز از سیاست جنگی بوش و دیدار او از شوریهایی که در «محور شیطنی» قرار دارند، رو به تیرگی گذاشته است. از سوی دیگر در تعمیق مخالفت با سرکردگی آمریکا در منطقه، رهبران ونزوئلا از پیوستن به سازمان همکاری های

اقتصادی در منطقه موسوم به FTAA (منطقه آزاد تجاری در آمریکا)، سرباز زدند، قرار دادی که در نشست سران کشورهای منطقه و ایالات متحده در «کوبک» کانادا در آوریل سال گذشته به توافق رسیده بودند و قرار است تا سال ۲۰۰۵ به مرحله اجرا گذاشته شود. در همین مورد «چاوز» گفت که این اقدام «بمانند خودکشی برای ما است، چرا که بیکاری به مرز ۹۰ درصد خواهد رسید و تولید کنندگان متوسط و کوچک و همچنین کشاورزان ورشکسته خواهند شد.»

در میان نیروهایی که برای ایجاد عدم ثبات در ونزوئلا متحد شده اند و خواستار برکناری «چاوز» از قدرت هستند، دو گرایش وجود دارد، گرایش اول نقشه ای بلند مدت را در نظر دارد تا بتواند طی آن امیدواری مردم برای تغییرات جدی و عمیقی که قابل دسترسی است، از بین ببرد و در برخی اصلاحات سطحی باقی بمانند. در واقع با برنامه های بلند مدت اقدام های فرسایشی برای خسته کردن مردم را به کار ببرند. اما گرایش دوم خواستار حرکتی سریع برای سرنگونی «چاوز» است که ایالات متحده گرایش دوم را در نظر دارند. کودتای اجتماعی و نظامی، و آنچه که در این کشور در حال حاضر بیشتر ملموس است، می تواند ترکیبی از هر دو گرایش بوجود بیاید.

علت اصلی مخالفت های ایالات متحده و نیروهای ارتجاعی ونزوئلا با دولت کنونی و «چاوز»، در آغاز تغییرات اقتصادی و سیاسی است که به نفع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان صورت می گیرد. تقسیم زمین های زراعتی بین کشاورزان، دولتی شدن صنایع نفت و عدم واگذاری آن به بخش خصوصی و گسترش برنامه های آموزشی و پرورشی، از جمله این اقدام ها هستند. از سوی دیگر روند تحولات در ونزوئلا تأثیری جدی در تحولات دیگر کشورهای منطقه، بولیوی و کلمبیا خواهد داشت.

از این روست که اعتراض سه نفر از فرماندهان ارشد ارتش، تهدید به اعتصاب از طرف برخی اتحادیه های تحت تسلط نیروهای راست و فشار های اقتصادی از سوی ایالات متحده را باید در روند تلاش این نیروها برای سرنگونی دولت فعلی و «چاوز» دانست.

هدف دولت اسرائیل نابوی فلسطین است

توان یافت و هر گونه عملیات نظامی در این منطقه برابر است با هدف قرار دادن افراد غیر مسلح. نیروهای اسرائیل به هر شیوه از عملیات نظامی در این مناطق متوسل می شوند تا بتوانند حضور نظامی و اشغال غیر قانونی خود را تثبیت کنند که تمامی این شیوه ها به خطر انداختن جان افراد غیر مسلح است. اسرائیل در مواضع خود همچنان تغییر ناپذیر ایستاده است و تا زمانیکه فشارهای جهانی بر اسرائیل افزایش نیابد، این کشور هر چه بیشتر بر فلسطینی ها فشار خواهد آورد. تلاش گسترده نیروهای مترقی و صلح دوست جهان می تواند و باید دولت شارون را وادار به قبول حقوق بر حق فلسطینی ها کند. شرایط ایجاد شده در جهان نباید باعث شود تا حقوق مردم فلسطین زیر پا گذاشته شود و جوامع بین المللی نباید با چشم بستن بر روی حوادثی که رخ می دهد، این پایمال شدن حقوق مردم فلسطین را نظاره گر باشند.

دولت اسرائیل در ادامه فشارهای خود به فلسطینی ها، هفته گذشته سه نفر از رهبران جنبش آزادیبخش فلسطین را به اتهام شرکت در قتل وزیر جهانگردی اسرائیل، دستگیر کرد و شارون در اطلاعیه دولتی که صادر شد، اعلام کرد که تا زمانیکه دادگاه این افراد ادامه دارد، یاسر عرفات همچنان در مقر خود در بازداشت به سر خواهد برد.

این حرکت های خودسرانه از سوی فلسطینی ها و بسیاری از مردم اسرائیل محکوم شده است، حرکت هایی که قدرت مندتر شدن نیروهای راست را در اسرائیل نشان می دهد، روندی که پس از روی کار آمدن نخست وزیر سابق «نتانیاها»، همچنان رو به گسترش بوده است. به نظر نتانیاها، که تلاش می کند تا «راه درست» مقابله با فلسطینی ها را به شارون یاد بدهد، می بایست که عرفات را به لیبی تبعید کرد، اسرائیل مدعی است که «اهداف نظامی» را در فلسطین مورد توجه قرار می دهد، اما فلسطین منطقه ای کوچک است با سکنه ای فراوان که در آن اهداف نظامی خاصی را نمی

جهانی شدن به مثابه شیوه یی برای عادلانه تر ساختن جامعه

شرکت فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، در جلسات سخنرانی ژوزف استیگلیتز و رابرت ماندل برندگان جایزه نوبل در اقتصاد در مراسم افتتاحیه چهارمین کنفرانس بین المللی اقتصاد در هاوانا

ژوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد از ایالات متحده تاکید کرد که جهانی شدن باید به عنوان یک وسیله و نه هدف، در جهت ایجاد امکان برای ساختمان جامعه ای که می خواهیم، جامعه ای که با بهسازی پایدار، دموکراسی، عدالت اجتماعی و انسانیت بیشتر توأم باشد، به کار گرفته شود. پروفیسور دانشگاه کلمبیا در سخنرانی اصلی خود که در مراسم افتتاحیه چهارمین کنفرانس بین المللی در باره «جهانی شدن و معضلات توسعه» در روز ۱۲ فوریه جاری ارایه شد، اظهار داشت که «همگرایی نظری واشنگتن» ریا کارانه است. او با اشاره به کنفرانس هاوانا گفت که «این تنها گرهمایی از نوع خود در دنیا است که در آن سخن های گونه گون اندیشه می توانند در دیالوگی احترام آمیز مطرح شوند.» رئیس جمهور کوبا، فیدل کاسترو، که یک شرکت کننده فعال این گفتگوها می باشد، در کنار جمع هزار نفری نمایندگان و مدعوین کنفرانس از ۴۳ کشور جهان و ۳۰۰ دانشجوی کوبایی به نقطه نظرات پروفیسور استیگلیتز گوش فرا داد. استیگلیتز اشاره کرد که نو لیبرالیسم توصیه می کند که اگر نیروهای بازار آزاد شوند، همه به برکت پخش آثار آن در لایه های مختلف، از رشد اقتصادی بهره مند خواهند شد. اما تجربه پیامد های مخرب این توصیه نشان می دهند که توزیع ثروت به طور فزاینده ای نابرابر شده و نتوانسته این پیشگویی را بر آورد.

پرفیسور آمریکایی مطرح کرد که نمونه های خاصی مانند کره جنوبی، چین و مالزی وجود دارند. این کشورها موفق شده اند که شرایط ویژه خود را با بازگشایی اقتصاد بر روی جهان، بدون اجازه دادن به عملکردهای غیر قابل کنترل، و با بکارگیری استراتژی هایی که در مورد آن توافق عمومی وجود داشته و با شرایط ویژه آن ها همسازی دارد، انطباق دهند. او ریا کاری آن چه را که تحت عنوان «همگرایی نظری واشنگتن» شناخته شده است را مورد سؤال قرار داد، زیرا یکی از وظایف اولیه دولت ها ایجاد اشتغال است، و باید دید که چه موفقیت هایی از قبل این رفرفرم های اقتصادی عاید کارگران شده است. او گزینه جدیدی را مطرح کرد که حاصل آن تولید اشتغال بوده و بر اساس آن فن آوری نوین منجر به رشد تولید، تضمین ارتقاء سطح آموزش، و توسعه ساختاری قابل اداره و عاری از فساد و دیگر پلیدی ها خواهد شد. او در حمایت از ایجاد یک آگاهی به نیاز به ایجاد یک سطح همه گیر و عامی از مقوله هایی نظیر امنیت، ثبات رشد جهانی، اشتغال و اهمیت حفظ محیط زیست، سخن گفت. استیگلیتز در مخالفت با آنانی که می گویند کشور های در حال رشد به کمک مالی برای توسعه نیاز ندارند، موافقت خود را با اعطاء چنین کمک هایی اعلام کرد. او اشاره کرد که چنین کمک هایی برای ایجاد آن شرایط مساعد همه گیری که همه از آن برخوردار شوند، ضروری است. استیگلیتز در تقابل با کوشش برای تحمیل خواسته های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که مطرح می کنند برای کاهش بدهی های عمومی باید تقاضا را کاهش داد، خواستار گسترش میزان تقاضا شد. در بخش تبادل نظر با شرکت کنندگان در کنفرانس پرفیسور مشهور آمریکایی با اشاره به نمونه های کوبا، سریلانکا و تا حدودی هندوستان آن ها را دلیل اثبات این فرضیه دانست که در رابطه با توسعه برنامه های بهداشتی و آموزشی اگر به اندازه کافی بر روی این

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران شاد باش های صمیمانه خود را، به مناسبت سی و یکمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران، به شما و همه اعضای و هواداران سازمان تقدیم می دارد و برای پیکارتان در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، در میهن مان، موفقیت آرزو می کند.

سی و یک سال پیش فدائیان خلق، در فضای استبداد زده میهن ما، نبرد خود را در راه سرنگونی رژیم استبدادی ستم شاهی آغاز کردند و در راه آرمان های عدالت خواهانه رزمیدند. حزب ما برغم تفاوت های دیدگاهی همواره به مبارزه شما به دیده احترام نگریسته و معتقد بوده و هست که اعتقاد به از بین بردن نابرابری های اجتماعی و استقرار آزادی و عدالت، فصل مشترک های نیرومندی است که مبارزه ما و شما را به هم پیوند می زند. ما بر این باور بوده و هستیم که وحدت مبارزاتی نیرو های مترقی و چپ، عامل عمده بی در جهت تدارک شرایط ذهنی تحولات آتی کشور و ایجاد یک جایگزین دموکراتیک و مردمی است. تجربه دردناک شکست انقلاب بهمن ۵۷، که ارتجاع توانست با بهره گیری از پراکندگی نیروهای چپ و دموکراتیک، رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی را بر میهن ما حاکم کند، بر لزوم اتحاد نیروهای مردمی در جبهه ئی متحد و پاسداری از جنبه های دموکراتیک و آزادی خواهانه تحولات تاکید دارد.

رفقای عزیز!

امسال جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان شما در شرایط بسیار حساس و بغرنج ملی و بین المللی برگزار می شود. از یکسو برغم همه حملات ارتجاع و واپس گرایان حاکم جنبش مردمی میهن ما در راه اصلاحات و رهایی از بندهای رژیم «ولایت فقیه»، همچنان به نبرد دشوار خود ادامه می دهد و از سوی دیگر به دلیل روند رخداد های جهانی پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به نیویورک و واشنگتن منطقه خاورمیانه و کشور ما در معرض خطرات جدی قرار دارند.

تحولات جهان پس از رخداد ۱۱ سپتامبر، از جمله تقسیم جهان به «دوستان» و یا «دشمنان» ایالات متحده، و اوج گیری نظامی گری که مردم افغانستان نخستین قربانی آن بودند و تهدید اخیر سه کشور ایران، عراق و کره شمالی عملاً تنش در اوضاع جهان را تشدید کرده است. حزب توده ایران و نیروهای مترقی و میهن دوست نمی توانند نسبت به خطراتی که بر اثر تشدید نظامی گری امپریالیسم ثبات سیاسی منطقه و آینده میهن مان را تهدید می کند، بی تفاوت باشند. حضور بی سابقه نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، بحران بی سابقه اوضاع خاورمیانه و بهانه جویی اسرائیل برای تصفیه حساب قطعی با ایران و عراق جایی برای خوش بینی باقی نمی گذارد. این وضعیت مطمئناً بر شرایط داخلی و مبارزه توده های زحمتکش میهن ما

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 629
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 March 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک